

نقش و تواناییهای کارآفرینی در ارتقاء بهره وری و رشد اقتصادی

تهیه کنندگان : رضا تاج آبادی (کارشناس ارشد و مسئول اطلاع رسانی
مجتمع آموزشی جهاد کشاورزی استان مرکزی)
کریم مشایخی (کارشناس ارشد و مسئول بهره برداران مجتمع آموزشی جهاد
کشاورزی استان مرکزی)
سعید لاهوتی (کارشناس فرش دستباف)

چکیده :

در سالهای اخیر به نقش کارآفرینان در تسهیل توسعه اقتصاد جهانی و بهبود بهره وری
توجه فوق العاده ای شده است تا آنجا که برخی ، کارآفرینی را عاملی بر رشد
و توسعه اقتصادی در جهان امروز شناخته اند . بررسیهای مختلف نشان داده است که
در بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه ، شرکتها ، مؤسسات کوچک و متوسط ،
موفقیت زیادی در ارتقاء بهره وری و رشد اقتصادی و اشتغالزایی داشته اند و بیشتر از
سرمایه انسانی استفاده کرده اند . این شرکتها و مؤسسات مکانی برای ظهور و بروز
روحیه کارآفرینانه افراد را فراهم می کنند و به گسترش فعالیت اقتصادی در کشور
کمک می کنند .

مهمترین آثار توسعه کارآفرینی ، افزایش نوآوری ، ارتقای سطح فناوری ، تولید دانش
فنی ، ایجاد اشتغال ، تولید و توزیع درآمد در سطح جامعه است که در نتیجه می تواند
افزایش بهره وری را در برداشته باشد . به نظر می رسد که کارآفرینی راه حل مطلوبی
برای مشکلات اشتغال و بهره وری در جامعه باشد در واقع نقش کارآفرینی و آموزش
و تربیت کارآفرینان در توسعه اشتغال ، رشد اقتصادی و بهره وری را در کشور افزایش می
دهد . ایده های کارآفرینی زمانی می توانند بر تولید ، اشتغال و بهره وری عوامل تولید
در بنگاهها و شرکتها اثر بگذارند که شرایط اجرای آنها فراهم گردد . در اقتصاد رقابتی
و مبتنی بر بازار دنیای کنونی ، که با تحولات و تغییرات سریع و شتابان محیط بین المللی
و گذر از جامعه صنعتی به جامعه اطلاعاتی و تغییر اقتصاد ملی به اقتصاد جهانی همراه
است ، از کارآفرینی به عنوان موتور توسعه اقتصادی یاد می شود که می تواند
در رشد و توسعه اقتصادی کشورها که منجر به افزایش بهره وری ، ایجاد اشتغال و

رفاه اجتماعی می شود ، نقش مهمی را ایفاء نماید . یکی از ابعاد تحلیلی مسئله کارآفرینی ، پرداختن به بهره وری کاردر بخشهای مختلف اقتصادی است . ارتقاء بهره وری از این لحاظ که باعث استفاده بهتر و بیشتر از امکانات محدود کشور می گردد و منجر به رشد و رفاه بالاتر با استفاده از همان منابع می شود از متغیرهای اساسی هر برنامه توسعه است .

در این مقاله به آثار مؤثر کارآفرینی به مثابه استراتژی مناسب برای گسترش اشتغال و کسب و کار در جامعه پرداخته می شود که موجب ارتقاء بهره وری در سطوح مختلف فردی ، گروهی ، سازمانی ، ملی و بین المللی می شود .

کلید واژه ها : کارآفرینی ، کارآفرینان ، بهره وری ، اشتغال ، رشد اقتصادی ، اقتصاد

مقدمه :

امروزه به رغم تحولات علمی و تکنولوژیک و توسعه تواناییهای بشر در کنترل و بهره برداری از منابع ، هنوز نگرانیهایی در خصوص نحوه ایجاد تعادل بین امکانات و نیازهای رو به تزاید وجود دارد نگرانیهایی که حتی رشد نسبی تولید در بخشهای مختلف اعم از تولید و بهبود فرایندهای استخراج منابع و تولید مواد و کارها و گسترش روز افزون خدمات نتوانست آنها تحت الشعاع قرار دهد بدین ترتیب که تلاشهایی بی وقفه برنامه ریزان و تولید کنندگان کالاها و خدمات برای تأمین نیازهای عمومی ، همواره با عوامل و موانع محدودکننده ، کنترل و کم اثر می شود . چندان که دائماً یک فاصله مشخص بین منابع ، امکانات و نیازها وجود دارد .

از سویی دیگر امروزه برای احیای اقتصاد جهانی کشورها ابتدا باید اقتصاد خود را از طریق احیای آن بخش از اقتصاد ملی که به ویژه در قالب شرکتها فعالیت دارند ، احیاء نمود . گرچه هر کشوری باید متناسب با سن ملی ، فرهنگ و آداب و رسوم خود به بهره وری بپردازد . در عصر ما پیوستگی امور مسئله ای جهانی است و اقتصاد کشورهای دیگر جدای از یکدیگر فعالیت نمی کنند و زندگی در این جهان ناهمگون همراه با فرضیهایی برای موفقیت و توأم با مخاطرات است .

وجود فاصله و شکاف بین منابع و امکانات از یک سو و نیازهای متنوع و فرا گیر جامعه انسانی از سوی دیگر ، لزوم دخالت و نقش آفرینی ، عاملی کارساز را اقتضاء میکند . به نظر می رسد در شرایط موجود عامل مهم ، چیزی جز کارآفرینی نیست . کارآفرینی یعنی همان عاملی که در اغلب مباحث اقتصاد و توسعه به نحوی شایسته مورد بحث و بررسی قرار گرفته است . ما در این مقاله قصد داریم که به نقش مؤثر کارآفرینی بپردازیم زیرا کارآفرینی را به مثابه استراتژی مناسب برای گسترش کسب و کار تلقی میکنیم و بر این باوریم که کارآفرینی موجب ارتقاء بهره وری در سطوح مختلف فردی ، گروهی ، سازمانی ، ملی و بین المللی است .

در بهبود بهره وری نیز که یکی از نیروهای محرکه توسعه است ، هدف نهایی بهبود کیفیت زندگی مردم است ، زیرا بهره وری عاملی کلیدی است که جامعه را قادر می سازد تا از طریق ترکیب بهینه منابع در اختیار داشتن مهارت های انسانی ، فناوری تجهیزات ، مواد خام ، انرژی و سرمایه و خدمات میانی ارزش افزوده ایجاد کند . افزایش و رشد بهره وری باعث رقابت پذیر شدن کشورها در بازار رقابت می شود . بدون تلاش و همت مردم در بهبود بهره وری ، بشر ابزار بقا و رشد را از دست خواهد داد ، زیرا نرخ افزایش زمین ، نیروی کار و سرمایه فیزیکی - به دلیل نرخ بازده نزولی - نمی تواند به نرخ رشد پایدار اقتصاد بیانجامد .

اساساً عوامل کمی و کیفی موثر در بهبود بهره وری عبارتند از : نوآوری های تکنولوژیکی ، سرمایه گذاری در کارخانجات و تجهیزات جدید ، کیفیت نیروی کار ، بهبود سیستم ها ، کاربرد اصول صرفه جویی ، سیاست های مقررات و توانایی مدیریت برای ترکیب بهینه این عوامل .

می توان گفت بهره وری بر توسعه اقتصادی و اجتماعی تاثیر می گذارد و به عنوان منبع افزایش درآمد، هدفی برای بهبود همکاری نیروی کار، مدیریت و مشارکت کارکنان به شمار می رود. بهره وری یکی از معیارهای مهم برای رقابت پذیری موسسات و راهبردی درازمدت برای دولت ها ، کارفرماها و کارکنان برای رفع فقر و تقویت حقوق انسانی و آزادسازی اقتصادی است.

آمارها نشان می دهد که بین بهره وری و کارآفرینی همبستگی ممکن برقرار است. بنابراین بهره وری هم بهترین شاخص برای تعیین سرمایه گذاری ها و ایجاد شغل و هم عامل تامین منابع مالی برای ایجاد مشاغل جدید و اشتغال مجدد است . سیاستهای اشتغالزایی که بدون تمرکز بر بهره وری ، تنها بر اشتغال تاکید داشته باشند، ماهیتی تورمی داشته و محکوم به شکست خواهند بود.

درک مفهوم کارآفرینی

وقتی مسیر حوادث و وقایع و روند فعالیتها و مکانیسم های مختلف فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی را بررسی می کنیم ، درمی یابیم که انسانها و علوم به دنبال کشف عامل تغییر هستند ، به دنبال این هستند که چرا این تغییر به وجود آمده ؟ دانش مدیریت هم ازجمله دانشهایی است که روی این مسئله توجه کرده و به دنبال مکانیسم عمل تغییر است ، اگر ما به دنبال کشف تغییر هستیم کسی که این تغییر را به وجود می آورد عامل تغییر است ، عده ای عقیده دارند که در حوزه اقتصاد وضعیت کارآفرین باعث تغییر می شود.

اما ممکن است این سوال پیش آید که کارآفرینی چه رابطه ای با بهره وری دارد؟ ما در اینجا ارتباط آن را بیان می کنیم . در هر صورت ما در پی آن هستیم که تعریفی دقیق را از بهره وری ارائه دهیم زیرا در این مورد بحثهای بسیاری شده است . بطور کلی گفته می شود بهره وری یعنی استفاده بهینه از امکانات. بهره وری عبارت است از اثر بخشی + کارآیی. بهره وری یعنی هوشمندانه فکر کردن.

اینها به عقیده ما برای جرقه زدن ، اندیشه سازی و فکر کردن مناسب است . اما آنچه که خلاء آن در جامعه احساس می شود، این است که مدیران ، اندیشمندان و متفکران باید در این زمینه بیندیشند که چه مکانیسمهایی می توانند ارائه کنند که منجر به بهره وری شود .

به نظر می رسد از این به بعد در جامعه جهت گیریها باید به این سمت باشد ، برای همین است که ما معتقدیم کارآفرینی ممکن است یکی از این ابزارها باشد.

تعریف کارآفرینی

واقعیت این است که وقتی ما به مفهوم کارآفرینی برمی گردیم ممکن است تصور اولیه و برداشت لغوی چنین باشد که کارآفرینی یعنی کسی باشد که کار و شغلی می آفریند ، ولی این تصور اشکال دارد . سابقه مفهوم کارآفرینی در دانش امروزی به دوپست سال پیش برمی گردد و اولین کسی که این مسئله را مطرح کرد فردی به نام کانتیلون است . ولی کارآفرینی بیشتر در فرانسه شکل یافت . معادل انگلیسی کارآفرین ، به معنای زیر بار رفتن است . اگر به آثار علمای اقتصاد مراجعه شود

مجموعاً از دریچه کارفرما با آن برخورد می کنند . منتهی مثل سایر مفاهیم ، کارآفرینی یک سیر تکاملی داشته است.

این واژه دستخوش تعاریف جدید شده است و در واقع در ایران آنچه که ترجمه شده به معنای همان کسی است که زیر با تعهد می رود . اما یکی از تعاریف جامع در مورد کارآفرینی را متفکری اقتصاددان بنام شومپیتر ارائه کرد . شومپیتر می گوید کارآفرین کسی است که نوآوری خاص داشته باشد . این نوآوری در فرایند، نوآوری در رضایت مشتری باشد.

وی این مهم با مفهوم جدیدی ، بنام تخریب خلاقیت مطرح می کند. کارآفرینی یعنی جوهره ای که فرد کارآفرین در درون خود دارد و فرایندی است که به آن توجه می کند ، قوای انسانی است که فرد در درون خود دارد و باعث می شود به نوآوری تبدیل شود. در واقع شومپیتر موتور توسعه اقتصادی را کارآفرینی می داند . جمله معروف وی بیان کننده همین مطلب است : موتور توسعه اقتصادی ، کارآفرینی است. ترکیبهای تازه وی نقشها و فعالیتهای زیر را جلوه هایی از کارآفرینی می داند :

1- اجرای روشی جدید در فرایند تولید

2- گشایش بازار تازه

3- یافتن منابع جدید

4- ایجاد هر گونه تشکیلات جدید در صنعت

کارآفرین در این میان باید صاحبان سرمایه را در خصوص مطلوبیت نوآوری خویش متقاعد سازد . از دیدگاه شومپیتر کارآفرینی در واقع انجام کارهای غیر معمولی و غیر جاری می باشد و پدیده ای است که در مفهومی وسیع تر رهبری می گنجد . در واقع کارآفرین تلاش دارد تا از طریق شناسایی و پیگیری فرصتها بدون در نظر گرفتن منابع بحث اختیار خود به ارزش کارآفرینی بپردازد.

کارآفرینی خلق و ساخت چیزی ارزشمند از هیچ است و نیز فرایند ایجاد و دستیابی به فرصتها و دنبال نمودن آنها بدون توجه به منابعی است که در حال حاضر در دست داریم.

این مفهوم را شومپیتر پنجاه سال قبل مطرح کرد اما به فراموشی سپرده شد تا اینکه مجدداً طی سه دهه اخیر در امریکا مطرح می شود ، مخصوصاً در دهه 1980 و 1990 که دهه کارآفرینی به دهه طلایی کارآفرینی بوده است. در این زمینه تعریفهای دیگری نیز مطرح می باشند از جمله تعریفی که پیتر دراگر ارائه می کند . دراگر را باید از جمله صاحب نظران مقوله کارآفرینی به شمار آورد .

وی عقیده دارد کارآفرین کسی است که فعالیت اقتصادی کوچک ، جدید و متعلق به خود را شروع می کند و از اینرو کارآفرینی را باید بکار بردن مفاهیم ، تکنیکهای مدیریتی ، استانداردهای سازی محصول ، بکارگیری ابزارها و فرایندهای طراحی و بنا نهادن کار بر پایه آموزش و تحلیل کار انجام شده بدانیم .

کارآفرینان در واقع به تغییر به عنوان مقوله تعیین کننده می نگرند . آنها ارزشها را تغییر می دهند و ماهیت آنها را دچار تحول می نمایند . آنها برای تحقق این ایده ، قدرت ریسک پذیری خود را بکار می گیرند . به درستی تصمیم گیری می کنند و از اینرو هر کسی به درستی اتخاذ تصمیم نماید ، به نوعی کارآفرین تلقی می گردد.

دراگر همچنین می گوید : کارآفرینی یک رفتار است نه یک صفت خاص در شخصیت افراد . او تغییر را امری به هنجار می داند . کارآفرین لزوماً تغییر ا مطرح نمی کند . بلکه همیشه به دنبال تغییر است و به آن پاسخ می دهد و فرصتها را استخراج می کند و بالاخره ، کارآفرین و نوآوری به نوبه خود از ریسک کمتری نسبت به بهینه نمودن کاربرد منابع (= بهره وری) برخوردار است .

تصور کلی از مجموعه این تعریفها و تعاریف پرشمار دیگری که در اینجا ذکر نشده اند، چنین استنباط می کنیم که کارآفرین کسی است که ایده را به واقعیت تبدیل می کند . کارآفرین کسی است که خلق می کند و چیز ارزشمندی را از هیچ می سازد . اینها همه تعریفهایی است که منابع و مستندات خاص خود را دارد ولی ما آنها را به گونه ای ساده بیان کردیم.

ویژگیهای کارآفرینان

تا به حال ویژگیهای زیادی در خصوص کارآفرینان بیان شده است . همه کارآفرینان درصفت فردی یکسان نیستند اما ویژگیهای عمومی در آنها وجود دارد که عبارتند از : خلاقیت و نوآوری ، هدف گرایی، خطر پذیری ، فرصت گرایی و فرصت شناسی ، آینده نگری و دور اندیشی ، انعطاف پذیری ، اهل کار و عمل ، اعتماد به نفس و خود باوری ، واقع بینی.

اهمیت و ضرورت کارآفرینی

کارآفرینی از محورهای اصلی رشد و توسعه است و از نظر برنامه ریزی توسعه اقتصادی و توسعه پایدار دارای اهمیت است زیرا :

- 1- موجب ایجاد اشتغال می شود .
 - 2- باعث افزایش سود و سرمایه سرمایه گذاران می شود.
 - 3- موجب دگرگونی ارزشها و تحول ماهیت آنها می شود و ارزشهای تازه ای بوجود می آورد.
 - 4- موجب پر شدن خلاءها و شکافهای بازار کار می شود . یعنی با توجه به دگرگونی شرایط بازار کار و فراهم شدن فرصت های تازه ، تصمیم های تازه ای گرفته می شود.
 - 5- موجب گذر از رکود اقتصادی ، جبران عقب ماندگیهای اقتصادی و آسان شدن روند رشد و توسعه کشور می شود.
 - 6- عوامل و شرایط لازم را برای تولید کالاها ، محصولات و بازاریابی آنها فراهم می سازد.
 - 7- کارآفرینی به هنگام بحران و ناتوانی بخش خصوصی در ایجاد اشتغال می تواند باعث جلوگیری از پس روی اقتصاد شود.
 - 8- باعث تامین رفاه اجتماعی می شود.
 - 9- موجب رقابت صنایع به ویژه صنایع مشابه داخلی با یکدیگر و سرانجام موجب بهبود و بالا رفتن کیفیت کالاها می شود.
 - 10- باعث تقویت و تکامل صنایع داخلی می شود و بدین ترتیب زمینه رقابت صنایع داخلی و خارجی فراهم می آید و سرانجام به افزایش صادرات و دریافت ارز برای کشور می انجامد.
 - 11- کارآفرینی موجب بوجود آمدن محصولات ، خدمات ، روشها ، سیاستها، اختراعات راهکارهای نو برای حل مشکلات جامعه می شود.
- زمانیکه کارآفرینان یک شغل جدید را شروع می کنند حداقل به یک یا چند نیروی استخدامی نیاز دارند تا کارهای خود را سامان بخشند. کارآفرینان به علت قابلیت اشتغال زایی به کاهش نرخ بیکاری کمک می کنند . بنابراین، کارآفرینی می تواند زمینه ساز اشتغال نیروی کار باشد و نوآوری به ایجاد اشتغال در جامعه منجر می شود .

امروزه روحیه کارآفرینی به شدت در میان جمعیت جوان ایران در حال گسترش است . از طرفی با توجه به شرایط اقتصادی ، اجتماعی فعلی کشور توجه به کارآفرینی بیش از پیش حائز اهمیت است.

افزون بر این بسیاری از شرکتها ، به سبب بهره وری اندک ، فقدان تقاضا و غیره در آستانه تعطیلی هستند یا تعطیل شده اند و امکانات رقابتی کشور هم در بازارهای جهانی اندک است از اینرو توسعه کارآفرینی برای افزایش بهره وری بسیار ضروری است.

اهمیت رشد و ارتقاء بهره وری

بهره وری در دستیابی به اهداف ملی ، بازرگانی ، تجاری و شخصی دارای اهمیت است . منافع رشد بهره وری بیشتر برای همگان روشن است چرا که درآینده می توان به میزان زیادتری با منابع کمتر یا همان میزان منابع دست به تولید زد و میزان سطح زندگی را افزایش داد . با اصلاح بهره وری می توان سهم منافع اقتصادی آینده را بزرگتر نمود و نسبت سهم هر نفر را در آن افزایش داد . با توسعه سهم منافع اقتصاد آینده ، می توان تضاد بین گروههایی را که برای کسب بخش کمتری از این سهم با یکدیگر م بارزه می کنند را کاهش داد.

رشد مداوم در بهره وری تنها راه یک ملت برای مبارزه با مشکلات اساسی هستند تورم ، بیکاری ، افزایش کسری بازرگانی و پول ناپایدار است. از بعد فردی ، رشد بهره وری در افزایش استاندارد واقعی زندگی و بکارگیری منابع موجود به بهترین وجه برای اصلاح کیفیت زندگی است.

کارآفرینی و بهره وری عظیم ملی

اگر از منابع کشورمان به خوبی استفاده نماییم با توسعه سریع اقتصادی مواجه خواهیم شد ، و با معادن وسیع سنگ آهن که در کشورمان وجود دارد ، ایجاد کارخانه های ذوب آهن می تواند علاوه بر بهره برداری از مواد اولیه برای شارژ صنایع داخلی ، با صدور مازاد بر مصرف آن ، ارز بسیاری را به کشور سرازیر کند.

کارآفرینی همچنین راهی برای استفاده بهینه از منابع مالی خانواده و پس اندازهای شخصی ایجاد می کند که چشم پوشی از آن می تواند بخشی از اقتصاد خانواده را صرف تجمل گرایی (خرید اقلام وارداتی) و یا هرزروی آن گرداند.

یک پدیده چند بعدی

اینک این بحث پیش می آید که فردی که این توانایی را دارد و فرایندی که منجر به کارآفرینی می شود . اساساً در چه سطحی از اقتصاد و جامعه معنی پیدا می کند. واقعیت این است که مفهوم کارآفرینی به ویژه موقعی که سیر آنرا دنبال کنیم . از مبانی مکاتب اقتصادی شروع می شود . به مکاتب روانشناسی راه می برد و بدین صورت مطرح می شود که فرد چه انگیزه هایی دارد که موجب موفقیتش می شود. قلمرو این ایده از تجزیه و تحلیل سطح فردی است و از تحلیل فرد به سمت رفتارگرایی می آید و به حوزه های روانشناسی و جامعه شناسی هر دو مربوط می شود.

کارآفرینی مثل بسیاری مفاهیم دیگر در معرض نقد و بحث اندیشمندان قرار گرفته است . حال شاید سوال شود که چرا این مفهوم این همه فراز و نشیب داشته است

؟ دلیل آن روشن است به این صورت ، وقتی که مکاتب محدودیت تئوریک دارند و نمی توانند پاسخگوی گرفتاری ها و سوالاتی باشد که محقق به دنبال آن است ، طبیعی است که محقق از یک رشته دیگر بدان می پردازد.

خلاصه اینکه کارآفرینی در تمامی سطوح معنی پیدا می کند، علاوه بر این ممکن است سوئوال شود که این مطالب چه تاثیری در بهره وری دارد . پاسخ این است که کارآفرینی در سطوح بهره وری و یا در سطوح فرد ، سازمان و جامعه اثرات خاصی دارد که به آنها اشاره می شود.

بهره وری در سطوح مختلف کارآفرینی

کارآفرینی فرایندی است که در آن کارآفرین به دنبال آن است تا ایده را به فکر تبدیل کند . فرد کارآفرین با ویژگیها و خصوصیات خاصی دارد به دنبال فرصت می گردد تا شکار کند . کارآفرین فرصت ها را کشف می کند . شناسایی می کند و به آن ساختار می دهد و تعیین می کند که در چه جایگاهی کار کند تا پس از آن شرکایش را انتخاب کند . وقتی کارآفرینان این امر را متوجه می شوند که در ذهنشان اراده ای هست و در قوای فکری خود با رقه و چشم اندازه های نوینی را کشف می کنند . آنگاه به دنبال فرصت می روند و ساختار می دهند و مشخص می کنند که با چه کسی شریک شوند و یا با کدام ارتباط سیاسی مسئله خود را حل کنند ؟ خلاصه اینکه منابع را بسیج می کنند انرژی فوق العاده خود را بکار می گیرند و طرح یا ایده خود را اجرا می کنند این یک برداشت کلی است تا روشن شود یک کارآفرین چه چرخه ای را طی می کند تا به موفقیت نایل شود.

مراحل و جنبه های اصلی کار

بسیار پیش آمده که انسان احساس می کند برخی کارها را می تواند انجام دهد این قوه ممکن است از جوانی یا حتی کودکی در فرد تقویت شود.

این خود آثار مثبتی دارد . ولی روانشناسان با تجزیه و تحلیل علمی خود حدود 119 ویژگی را در این زمینه فهرست کرده اند که 6 نمونه از آنها را بیان می کنیم.

1- عزم ، یعنی اینکه اراد هخ ای که نشان میدهد می خواهید کاری بکنید.

2- نیاز به توفیق ، در واقع قوه درونی که قابل تقویت شدن است .

3- خلاقیت ، ریشه همه نوآوری در خلاقیت است

4- نیاز به استقلال

5- بینش

6- تهاجمی بودن

در هر صورت مکانیسم تغییراتی که برای بهره وری مدنظر است نوعاً در صورت دارد یکی تغییر از طریق مراحل تدریجی و دیگری تغییر آنی یا رادیکال مطالعات نشان میدهد کارآفرینان از تغییر رادیکال استفاده می کنند یعنی با تغییر تدریجی رفتار و بینش و فرهنگ موافق نیستند و به یکباره عمل می کنند بخاطر این است که آنها فرصت را مغتنم می شمارند .

یک صاحب نظر بنام آدیزس معتقد است مدیران چهار نوع مهارت دارند :

1- سطح اداری یا بروکراتیک

2- سطح تولید یا اجرایی

3- نقش کارآفرینی

4- نقش یکپارچه سازی

از این مفهوم استفاده می کنیم و اگر مبانی مدیریت و کارآفرینی مشترک باشد ، کارآفرینی یک ویژگی است که مدیر می تواند داشته باشد. ایجاد یک سازمان یا موسسه جدید از ابتدا از ویژگیهای کارآفرین است . کارآفرین موتور توسعه اقتصادی است یعنی او نیرویی حرکت آفرین و اثربخش دارد . بصیرت یا بینش که مبوب به عمق آگاهیها و بینش و دید فرد می باشد .

مدیر کارآفرین و دارای بصیرت ، فرصت ها را شناسایی می کند مثلاً بازار را شناسایی می کند و می داند خلاء هایی هست. مثلاً یک نمونه آن همین روزنامه های رنگی است که چندین سال در ایران روزنامه سیاه و سفید بود ولی فردی خلاء را شناخت و کارآفرینی کرد . کارآفرینها همیشه اولین ها هستند . اولین صادرات ، اولین تولید ، اولین محصول و اولین فرایند. تعیین استراتژی های کار مرحله بعدی است وقتی تعیین شد که فرد کارآفرین بنزاساز باشد یا پیکان ساز و پس از این کار ، بازار را هدف گیری می کند.

از ابتکاراتی که در واقع کارآفرین انجام می دهد سرعت بسیج منابع است . اتلاف وقت نمی کند . طبیعی است در این فرایند آنچه که کارآفرین به آن می رسد رضایت مشتری است . زیرا کارآفرین وقت نمی کند زیرا کارآفرین خدمات یا محصولی ایجاد کرده که دیگران به آن نپرداخته اند و چون انسان تنوع گراست از محصول جدید استقبال می کند.

حال باید دید که آیا اینها راکسی اجرا کرده است یا اصلاً اجرا پذیر است یا نه ؟ با بررسی موضوع در می یابیم که در پنجاه سال گذشته ثابت شده که کارآفرینی آموزش پذیر ، تقویت پذیر و پرورش پذیر است.

لذا اساساً اکتسابی است که نمونه عملی آن را در این مقاله بیان می کنیم . ما برای سیاستگذاران این پیام را داریم ، که کارآفرینی مکانیسمی است که اگر از آن استفاده کنیم ایجاد اشتغال و ثروت و رفاه می کند.

سئوال این است که با چه مکانیسمی می توان به آن رسید و از آن استفاده کرد؟ ما معتقدیم مکانیسم رسیدن به رفاه و اشتغال ، آموزش و توسعه کارآفرینی است . در سطح سازمان ، کارآفرینی موجب رضایتمندی مشتری می شود . زیرا آنها سخن را ایده جدیدی در سطح جامعه پراکنده اند . و یا خدمات جدیدی ارائه کرده اند . مثلاً تلفن موبایل ، کسی که محدودیت ها را شناخت ، طرحی جدید ارائه کرد و به دنبال تکنولوژی و نوآوری رفت. و رضایت مندی مشتری را موجب شد .

در سطح سازمان ، کارآفرینی همچنین موجب نوآوری محصول ، نوآوری فرایند و مشارکت کارکنان می گردد و بقای سازمان را تامین می کند . چرا برخی از شرکتها بهره ور نیستند؟ زیرا این فرایند در آنها مورد غفلت قرار گرفته و به آن توجه نمی شود.

در بحثی که راجع به کارآفرین می شود می گویند کارآفرین به چه شرکت یا سازمانی اطلاق می شود؟ لازم به ذکر است که کارآفرینی از واحدهای کوچک در دنیا شروع شد و اکثراً در واحدهای 6 و 5 تا 100 نفر بوده و رشد کرده است.

زمانی کارآفرینی در واحدهای کوچک آغاز شد که بهره وری در سازمانهای بزرگ جواب نداد .

دانش مدیریت می گوید اگر مکانیسمی ایجاد کنیم که مدیر کارآفرین تربیت شود ، آنگاه سازمانهای بزرگ هم می توانند این کار را بکنند . حالا مفهوم جدیدی درست کرده اند بنام کارآفرین سازمانی یعنی سازمانهای بزرگ و عمومی کشور هم می توانند کارآفرینی داشته باشند مثلاً شرکت پست کارآفرینی جدیدی را ارائه کرد زیرا خدمات جدیدی را به مردم داد که قبل از آن وجود نداشته است . شرکتهای مختلف دیگر هم وجود دارند . اغلب افراد با شرکت زمزم آشنا هستند ، در چهار سال گذشته

مدیران شرکت زمزم به دنبال بصیرتی بودند که چگونه می توانند نوشابه را کیفیتی بهتر بخشند.

مهم این بود که چگونه ذهنیت منفی درباره این محصول را عوض کنند . آنها دریافته بودند که خلاء های زیادی هست و به نوعی مفهوم سازی کردند . وجود این بصیرت و نیز وجود نوشابه رقیب بین المللی موجب تحول گردید . ولی رقیب نتوانست تاثیر خاصی در تولید بگذارد . برخی بر این باورند که با وجود رقیب تحول در زمزم حادث شد . اگر این نکته درست باشد سؤال این است که چرا در صنایع دیگر مثلاً در خودرو سازی این تحول بوجود نیامد ؟ موضوع تغییر ماهیت سریع که در زمزم رخ داد تا حدودی به رقابت محدود مربوط می شود ولی مهمتر از آن بصیرت نیز وجود داشت .

مدیران شرکت زمزم تشخیص دادند در کشور ما نوشابه خانواده وجود ندارد . آنها این محصول خاص را در کشورهای دیگر نیز دیده بودند که البته به این مورد کارآفرینی تقلید گرایانه می گویند . خلاصه اینکه در زمزم استراتژی آنها برتری در سهم بازار است و در همه جا این ایده را تبلیغ کردند .

استراتژی برتری در سهم بازار ، برتری در کیفیت ، برتری در تنوع با شعار ذائقه ایرانی ، نوشابه ایرانی و ... این در واقع همان بصیرت بود که به استراتژی تبدیل شد . زمزم دارای سهم بازار 43 درصد بود مدیران دریافته بودند اگر این روند ادامه یابد از بین می روند و با راده ای که داشتند سهم خود را حفظ کردند و برای آن شعار تهیه کردند و کیفیت را به بود دادند .

شیشه های نوشابه را عوض کردند آنگاه متوجه شدند که باید تنوع دهند . محصولات مختلف تولید کردند نتیجه اینکه افزایش تولید از 800 میلیون بطری به یک میلیارد و 800 میلیون بطری رسید که تنها در عرض 4 یا 3 سال رخ داده است . یکی از ویژگیهایی که می توان کارآفرینی را کشف کرد نرخ رشد تولید بالا است .

مسئله بعدی ، سرمایه گذاری در خطوط تولید است . در زمزم با تولید عصاره R&D یا تحقیق و توسعه هم فعال شد حال آنکه قبلاً عصاره نوشابه از خارج وارد می شد و حالا زمزم در خارج مرزها هم سرمایه گذاری می کند . شرکت زمزم با دریافت ISO 9002 به سمت استانداردهای جهانی رفت و زمزم مشهد اولین استاندارد را در صنعت نوشابه سازی گرفته است .

استراتژی تبلیغات زمزم نیز با استراتژی تولید آن هماهنگی داشته است . در تبلیغات ، شرکت زمزم برای بچه ها برنامه ریزی کرد تا با برنامه تبلیغاتی ، مدرسه موشها ، بچه ها را آماده کند و با توجه به اینکه سهم بازار زمزم هم اکنون 46 درصد است و رضایتمندی مشتری را نیز به همراه دارد .

بهره وری کارخانه و کارکنان و نیاز حقوق و دستمزد آنها بهبودی یافته است . به هر صورت ما نیز اکنون به این باور جدید می رسیم که ایرانی متعهد و متخصص می تواند با نوشابه ساز خارجی رقابت کند . زمزم در مشهد با نوشابه های خارجی به خوبی رقابت کرد و سهم بازار خود را حفظ کرده است و بقای خود را تامین نمود . همه این موارد نتایج حاصل از اثر کارآفرینی در رشد و بهره وری است.

نتایج حاصل از بکارگیری کارآفرینی در افزایش رشد بهره وری

فعالیت های کارآفرینانه	نام شرکت
افزایش تولید محصول ، ISO 9002 ، سرمایه گذاری خارجی ، سود	زمزم

افزایش صادرات ، سرمایه گذاری خارجی ، توسعه داخلی ، سود	ایران کشمیر
افزایش صادرات ، افزایش تولید، تنوع در طراحی ، سودآوری بیشتر	تولیدی تهران
صادرات ، افزایش تولید ، روحیه مشارکت ، سود ، دستیابی به بازارهای جدید	چوب شمال

شرکت ایران کشمیر که کمتر شناخته شده است و صادراتش هم اکنون به 15 میلیون دلار می رسد موفق شد سرمایه گذاری خارجی را به ایران جلب کند و با توسعه داخلی ظرفیت آن افزوده شد و ضمن آن خط تولید یجدید نیز بکار انداخته است.

تولیدی تهران نیز با محصولاتی از قبیل سفره ، پتو، ملامین و ... این شرکت 20 هزار دلار صادرات داشت که با کارآفرینی صادرات شرکت به حدود 5 میلیون دلار رسیده است .

لبنیات پاک که تولیدش از 80 تن به 300 تن رسیده است ودر خارج نیز سرمایه گذاری کرد یا شرکت صنعت چوب شمال که شرکتی در حال زیان بوده با مدیریت مشارکتی تحول یافت . ضایعات کنترل گردید و با افزایش تولید صادرات به 500 هزار دلار رسید. اگر به دنبال راه حل های جدید هستیم نخست باید ببینیم آیا اندیشه صحیح را بوجود آورده ایم یا نه؟ فضای کشور باید به گونه ای طراحی شود که کارآفرینان رشد کنند بایستی محیط کارآفرینی را تقویت کرد تا کارآفرینان رشد کنند.

نتایج یک تحقیق در رابطه با نقش کارآفرینی در ارتقاء بهره وری

مرکز تحقیقات گسترش یکی از شرکتهای تابع سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران در رابطه با مقوله کارآفرینی تجربه بسیار ارزنده ای دارد . در طول بیش از سه سال فعالیت در رابطه با کارآفرینی حدود 120 کارآفرین را مورد حمایت مالی و فنی قرار داده است . از این تعداد کارآفرین تاکنون 40 کارآفرین پروژه خود را تمام و حاصل تلاش آنها وارد یا در شرف ورود به بازار است . به عنوان یک کار تحقیقاتی دستاوردهای این 40 کارآفرین مورد ارزیابی قرار گرفت که نتایج این ارزیابی می تواند معیاری از موفقیت و نقش کارآفرین در توسعه صنعتی و رشد اقتصادی کشور باشد. مرکز تحقیقات گسترش ، نتایج این تحقیق و دستاوردهای حاصل از آنرا در مجموعه ای تحت عنوان کارنامه کارآفرینی شماره 1 به چاپ رسانده است . اگر به این نتایج با دقت توجه شود قطعاً دیدگاهها نسبت به کارآفرینی تغییر اساسی پیدا خواهدکرد و مسئولان ذیربط مطمئن خواهند شد که راه شکوفایی اقتصادی و توسعه صنعتی در گروی توسعه کارآفرینی است.

در این مقاله خلاصه نتایج حاصل شده . از این تحقیق ارائه و بررسی می شود.
 - جمع وام پرداختی به این 40 کارآفرین توسط این مرکز 25292 میلیون ریال و جمع آورده (سرمایه) خود کارآفرینان جهت اجرای پروژه ها 41833 میلیون ریال است . بنابراین جهت اجرای این 40 پروژه جمعاً مبلغ 67125 میلیون ریال مورد نیاز بوده که 37 درصد آن از طریق وام کارآفرینی تامین و 63 درصد آن را کارآفرین از منابع داخلی خود تامین نموده است.

- این 40 پروژه برای 837 نفر اشتغال مستقیم ایجاد نموده است . یعنی کارآفرین به ازای هر 30 میلیون ریال وام دریافتی یک اشتغال ایجاد نموده و اگر سرمایه خود را هم به این مبلغ اضافه نماید تقریباً به ازای هر 80 میلیون ریال یک شغل ایجاد شده است

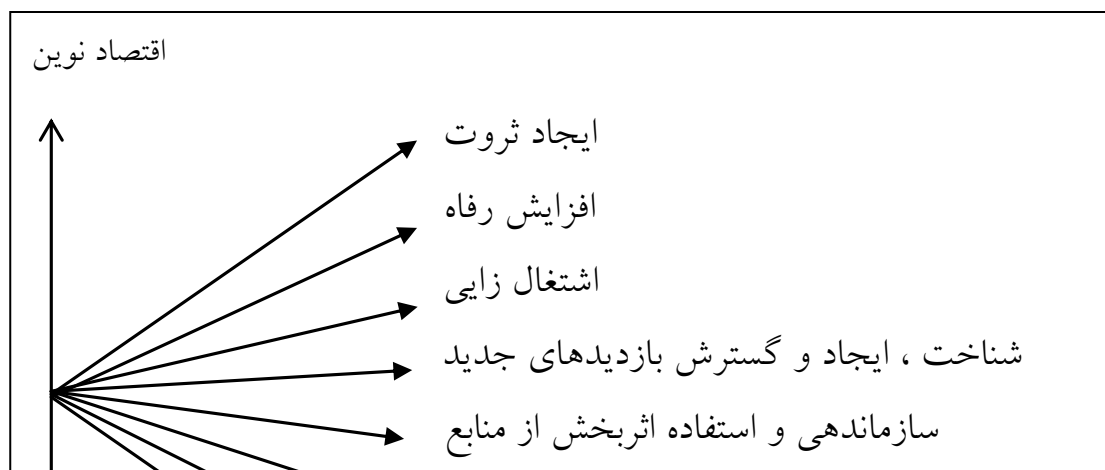
طبق اظهارات مسئولین هزینه ایجاد یک شغل در صنعت بیش از 200 میلیون ریال است اما کارآفرین به عنوان بخش خصوصی مولد و با به کارگیری بهینه منابع این مبلغ را به 80 میلیون ریال کاهش داده است.

- این پروژه برای 1456 نفر بطور غیر مستقیم شغل ایجاد نموده اگر این تعداد به اشتغال مستقیم اضافه گردد هزینه اجیادیک شغل به مراتب کاهش می یابد .
- از این 40 پروژه 8 مورد آن به ایجاد دانش فنی منجر گردیده است اگر قرار بود دانش فنی ایجاد شده از شرکتهای خارجی خریداری گردد مبلغی که می بایدبابت آن پرداخت شود از جمع وام دریافتی به مراتب بیشتر می شود ضمن اینکه ایجاد دانش فنی در کشور ، بومی سازی آن را آسان و اعتبار کشور را در جهان افزایش می دهد.
- در این میان در 3 مورد کار کاملاً جدید بوده و برای اولین بار انجام شده است .
- از این بخش تحقیق و توسعه شرکتهای کوچک و متوسط (SME ها) در 4 مورد حمایت شده که در هر مورد فرآیندی جدید در تولید یا محصولی جدید به خط تولید اضافه شده است.
- با استفاده از فرایندهای جدید در ساخت ، انجام پروژه های کارآفرینی در 26 مورد منجر به توسعه فناوری شده است.
- در این میان 11 کارآفرین توانسته اند با ثبت 11 شرکت جدید فعالیت صنعتی و اقتصادی خود را در قالب SME های ایجاد شده دنبال نمایند.
- با فروش محصولات تولیدی کارآفرینان در طول زمان انجام پروژه کارآفرینی بیش از 6595 میلیون دلار صرفه جویی ارزی حاصل شده است که با ادامه فعالیت کارآفرینان در صنایع ایجاد شده روند صرفه جویی ارزی بطور پیوسته ادامه خواهد یافت.
- با نگاهی به نتایج ذکر شده می توان به میزان موفقیت طرح توسعه کارآفرینی پی برد . مهمترین آثار توسعه کارآفرینی ، افزایش نوآوری ، ارتقای سطح فناوری ، افزایش تعداد ثبت اختراعات و ابداعات ، افزایش بهره وری ، تولیددانش فنی ، ایجاد اشتغال و SME ها ، تولید و توزیع درآمد در سطح جامعه است که در نتیجه می تواند افزایش ثروت ملی را در برداشته باشد.

کارآفرینی و اقتصاد

دامنه تاثیرات کارآفرینی بر جامعه بسیار وسیع است ، از تغییر در ارزشهای اجتماعی تا رشد شتابان اقتصادی محققان تغییرات مختلفی را که رواج فرهنگ کارآفرینی در یک جامعه ایجاد می کند ، بررسی کرده و آثار آنها از دیدگاههای متفاوت مورد بحث قرار داده اند .

برخی از تاثیرات ذکر شده عبارتند از : ایجاد ثروت، اشتغال زایی ، ایجاد توسعه فناوری ، ترغیب و تشویق سرمایه گذاری ، شناخت ایجاد گسترش بازارهای جدید ، افزایش رفاه ، ساماندهی و استفاده اثربخش از منابع ، افزایش بهره وری



رابطه کارآفرینی و اقتصاد

پیامدهای مثبت توسعه کارآفرینی در اقتصاد کشور بیش از سایر اثرات آن مورد توجه قرار گرفته است. محققان باور دارند که کارآفرینان از رسیدن نظام اقتصادی به تعادل ایستا، جلوگیری می‌کنند و به واسطه رفتارهای فرصت‌جویانه خود، اقدام به فرصت‌سازی برای کلیت نظام اقتصادی می‌کنند، تأثیرات دیگری نظیر ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی نیز مد نظر پژوهشگران بوده است.

کارآفرینی و پایه‌های شکل‌گیری اقتصاد نوین، رشد اقتصادی و اشتغال اقتصاد در ابتدای هزاره سوم میلادی شاهد دگرگونی‌های شگرفی بوده است. انقلاب فناوری اطلاعات و تغییر در ترکیب نیروی کار به نفع نیروهای دانش‌محور، از زمره تغییرات است. شاید مهمترین روندی که در اقتصاد دیده می‌شود، حرکت به سوی نظام اقتصادی با ماهیت شبکه‌ای است. در چنین اقتصادی کنترل و تخصیص منابع بصورت توزیع شده صورت می‌گیرد و نقش شبکه‌های اجتماعی در رشد و توسعه اقتصادی به مراتب بیش از نظام متمرکز برنامه‌ریزی دولتی خواهد بود.

نقش کارآفرینان در رویکرد شبکه‌مدار به مراتب پررنگ‌تر از رویکرد اقتصاد کلاسیک است. کارآفرینان در شبکه‌های اجتماعی اقتصاد نوین، نقش عناصر فعال را ایفا می‌کنند و موجب ارتقای بازده سرمایه‌های مادی و انسانی می‌شوند. ویژگی بارز اقتصاد امروز، تغییرات سریع است. کشورهایی می‌توانند در چنین اقتصادی موفق باشند که قابلیت تطبیق با این تغییرات را داشته باشند.

کشورهایی که در آنها میزان فعالیتهای کارآفرینانه بالاتر است، به واسطه طبیعت کارآفرینی در تطبیق با تغییرات، قادرند موقعیت بهتری را در اقتصاد جهان کسب کنند. تحقیقات انجام شده نشان داده است که رشد اقتصادی با سطح فعالیتهای کارآفرینانه همبستگی مثبت دارد. به عنوان مثال در تحقیق GEM 1 که سالیانه فعالیتهای کارآفرینی و تأثیرات آنرا در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار می‌دهد و در حال حاضر در بیش از 20 کشور جهان صورت می‌گیرد، این نتیجه بدست آمده است که نرخ رشد اقتصادی یک کشور رابطه معنی‌داری با سطح فعالیتهای کارآفرینانه آن کشور دارد.

همچنین کارآفرینان در ایجاد اشتغال نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند. تقریباً نیمی از کارکنان کشورهای توسعه‌یافته در کسب و کارهای کوچک مشغول فعالیت هستند. کسب و کارهای کوچک بیشتر مشاغل جدید را ایجاد می‌کنند، سهم این کسب و کارها در بازار کار در حال افزایش است.

کسب و کارهای کوچک از سال 1980 تاکنون در اقتصاد آمریکا بیش از 34 میلیون شغل ایجاد کرده‌اند. حال آنکه از تعداد کارکنان شرکتهای بزرگ در این کشورها کاسته شده است. علاوه بر آن، کسب و کارهای کارآفرینانه بیش از 67 درصد از نوآوریها را در زمینه فناوری و حدود 95 درصد از نوآوریهای منجر به تحولات بنیادی در عرصه صنعت پدید آورده‌اند.

کارآفرینان از طریق ایجاد فناوری، محصولات و خدمات جدید، قدرت انتخاب مصرف‌کنندگان را افزایش می‌دهند و با افزایش بهره‌وری کار، سرگرمیهای نو، بهداشت و سلامت، تسهیل ارتباطات و ... موجب افزایش کیفیت زندگی بشر می‌شوند.

از آنان قدرت تجزیه و تحلیل داریم ، پس موانع رشد سریع و عقب ماندگی ها کجاست . همانگونه که اشاره شد کارآفرینی از جمله مفاهیم جدید و مقوله های مطرح در رشد اقتصادی است.

فرد کارآفرین دارای ایده و فکر جدید است که با طی فرایندی کسب و کار (تشکیل و راه اندازی شرکت) را ایجاد مخاطرات محصول را قبول و خدمت جدیدی را ارائه می کند . بنابراین کارآفرین به عنوان فردی که از آن شومیتز به عنوان محرک و موتور اقتصادی یاد می کند ، بایستی تشریح گردد و تاثیرات نقش در فرایند تقویت جامعه و رشد اقتصادی تعیین گردد.

فرایند کارآفرینی در سه سطح مورد توجه مخاطبش در جامعه قرار می گیرد . این سه سطح عبارتند از :

سطح فردی	سطح شرکت / سازمان	سطح محیط
<ul style="list-style-type: none"> - ویژگیهای محیط - شناختی کارآفرینان - رویکرد فردی - - ویژگیهای کارآفرینان - رویکرد رفتاری - رفتار کارآفرینان 	<ul style="list-style-type: none"> - استراتژی - بازار یابی - مالی - رهبری و سازمانی 	<ul style="list-style-type: none"> - محیط فرهنگی - محیط قانونی - زیرساخت علمی ، - تحصیلی - شرایط مالی - ساختار صنعت

اما مطلب مورد توجه دیگر این است که کارآفرینی چگونه به انجام می رسد و فرایند تأسیس و ایجاد فعالیت کارآفرینانه در جامعه ، چه می باشد . کارآفرینان معمولاً ابتدا مقدمات و سپس کارت تأسیس و در نهایت کارت توسعه را سپری می کنند . بنابراین سه فعالیت در تأسیس و فرایند کارآفرینی در سه سطح مورد توجه مخاطبش در جامعه قرار می گیرد . این سه سطح عبارتند از :

- 1- مرحله پیش نیاز تأسیس
- 2- مرحله تأسیس
- 3- مرحله ایجاد یا توسعه

آنچه در مدل های فوق اشاره می شود عبارتند از :

- 1- مقوله کارآفرینی در سطح جامعه ، سازمان و فرد تاثیرات فراوان دارد.
- 2- عوامل گوناگون در تشکیل و رشد شرکتها تاثیر دارند که باید ملاحظه گردد.
- 3- نوآوری اساس کارآفرینی است و در جامعه باید به آن توجه گردد.
- 4- نقش آموزش و پرورش و آموزش عالی نیز بسیار با اهمیت می باشد.
- 5- فرایند ایجاد و تأسیس و بهره برداری و رشد شرکتها دارای اهمیت به سزایی می باشد که باید به دقت در خصوص افراد علاقمند به کسب و کار ، مورد عنایت قرار گیرد.

GEM در سال 1999 یک مدل مفهومی را طراحی کرد تا در مورد این رابطه ارزیابی کند . رشد اقتصاد ملی هر کشور در راس این مدل با دو فعالیت موازی مرتبط می باشد :

- 1- نقش ایجاد شرکت های بزرگ در رشد اقتصادی
- 2- نقش شرکت هایی که مستقیماً مرتبط با فرایند کارآفرینانه هستند

نقش ایجاد شرکت‌های بزرگ در رشد اقتصادی کشور همواره مورد توجه بوده است و این موفقیت و هدف اتحاد سیاست‌های بافت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی هر کشور می‌باشد. در بسیاری از مطالعات نقش شرکت‌های بزرگ در رشد اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است.

در این زمینه - رشد اقتصادی - مطالعه ای در سال 1997 از طریق دانشگاه پاپسون، مدرسه بازرگانی لندن و بنیاد کافمن آغاز گردید. در سال 1999 در ده کشور شامل کشورهای گروه هفت، فنلاند، دانمارک و رژیم اشغالگر قدس و سپس در سال 2000، یازده کشور دیگر شامل آرژانتین، استرالیا، بلژیک، برزیل، هند، ایرلند، کره جنوبی، نروژ، سنگاپور، اسپانیا و سوئیس اضافه شد.

گروه‌های مختلفی در کشورها استخدام گردید و بر اساس سه منبع مهم زیر کار شد :

- الف- مطالعه بیوشیمی در خصوص جمعیت بزرگسالان هر کشور
 - ب- مصاحبه با کارشناسان کارآفرین هر کشور
 - ج- انتخاب داده استاندارد شده ملی هر کشور
- از حدود 42000 نفر پرسش و با 800 نفر کارشناس مصاحبه گردید.

مطالعه بر اساس سه سوال محوری انجام گرفته است :

- 1- آیا سطح فعالیت کارآفرینانه بین کشورها فرق می‌کند؟ اگر جواب مثبت است به چه میزان؟
 - 2- آیا سطح فعالیت کارآفرینانه در رشد اقتصادی کشورها فرق می‌کند؟
 - 3- چه عواملی موجب کارآفرین شدن یک کشور می‌شود؟
- و اما نتایج کلان مطالعه عبارت است از :
1. سطح فعالیت کارآفرینانه بین کشورها بسیار متفاوت می‌باشد.
- به عنوان مثال :

نام کشور	کارآفرین / بزرگسال شروع کننده کسب و کار
برزیل	1 به 8
آمریکا	1 به 10
استرالیا	1 به 12
آلمان و انگلیس	1 به 25
فنلاند و سوئیس	1 به 50
ایرلند و ژاپن	1 به 100

یعنی تفاوت عمده بین کشورها در ایجاد و تاسیس شرکت‌های نوظهور که عمر آنها 42 ماه می‌باشد، وجود دارد، همچنین بر اساس درصدی از جمعیت بزرگسال درگیر ایجاد شرکت‌های نوپا محاسبه کرده که تفاوت عمدتاً بسیار بوده است. بطور مثال در کره جنوبی 90 درصد جمعیت و در ژاپن 5 درصد از نوسان می‌باشد.

2. کارآفرینی رابطه قوی و معناداری با رشد اقتصادی دارد. در میان کشورها با ساختار اقتصادی مشابه همبستگی کارآفرینی و رشد اقتصادی از 7 درصد نیز بالاتر می‌باشد.

3. بیشتر شرکتها توسط مردان ایجاد و اداره می شوند و بین سنین 25-34 سال می باشند. مردان دوبرابر زنان در فعالیتهای کارآفرینانته مشغول هستند.
4. پشتیبانی رابطه قوی معنادار بین حمایت مالی و سطح کارآفرینی وجود دارد به عنوان مثال در سال 1999 در آمریکا سرمایه های پرمخاطره 52 درصد تولید ناخالص داخلی ، GDP و درژاپن بین 222 درصد متغیر می باشد.
- با متوسط سرمایه گذاری انجام شده در یک شرکت از 13 میلیون دلار در آمریکا تا یک میلیون دلار در سایر کشورهاست.
5. آموزش نقش اساسی در کارآفرینی ایفا می کند.
6. سیاستهای توسعه آفرینی نباید فقط محدود به کارآفرینان باشد.
- اکثر کشورهای که فعالیت کارآفرینانه بیشتری دارند ، از انجام کسب وکار آسان و روان با دولت ، انعطاف در بازار کار و سطح پایین هزینه های کارگری نیز دستمزد دارند.
7. مقبولیت و مشروعیت اجتماعی کسب وکار در بین کشورها متفاوت می باشد ، دوشاخص اساسی نقش مهمی در شروع کسب و کار جدید دارد یکی ترس از شکست و دوم احترام به شروع کننده کسب و کار در جوامع بر اساس فرهنگهای اجتماعی گوناگون می باشد.

نتیجه گیری

اکنون که این امید شکل گرفته است که بحران اقتصادی باید مهارشود، تقویت و ایجاد شرایطی محیطی برای رشد کارآفرینان در سطح کلان ضرورت دارد . دولت از طریق شناسایی و بکارگیری آن دسته از عوامل محیطی ، اقتصادی ، فرهنگی و اجتماعی که ظهور کارآفرینی را تسهیل میکند ، میتواند زمینه مناسب را فراهم کند، چرا که کشوری که دارای تعداد زیادی کارآفرین باشد از محرکهای تجاری و اقتصادی قویتری برخوردار است .

در بیشتر کشورهای روبه رشد واز جمله ایران ، مسئله رشد اشتغال وپدیده بیکاری به عنوان یکی از مشکلات اقتصادی محسوب می شود ،لذا اهمیت و نقش کارآفرینی در ایجاد فرصتهایی برای اشتغال ودر نتیجه افزایش بهره وری و رشد اقتصادی را نمی توان نادیده گرفت . در کارآفرینی بحث از بکارگرفتن فکر، ابتکار ، خلاقیت و فرصت آفرینی است .لذا برای دستیابی به آن ، در ابتدا باید جنبه ها وابعاد گوناگون کارآفرینی را شناسایی کرد و سپس با سرمایه گذاری ، این ابزار اقتصادی را تقویت کرد . در این بین ، دولت در بستر سازی برای کارآفرینی نقش بسیار مهمی دارد . و میتواند فرهنگ ارزشی کشور را تغییر دهد واز طرفی ، بخش دولتی یکی از بخشهایی بوده که تأثیر به سزایی در فرصتهای شغلی داشته است .

توسعه کارآفرینی مقوله مهمی است که دولتها با اجرای برنامه ها و سیاستهایی در راستای آن گام بر می دارند . هرچند در هرکشوری بنا به مقتضیات آن ، اهداف خاصی

در راستای منافع آن کشور از توسعه کارآفرینی مد نظر قرار می گیرد ، ولی در مجموع دولت ها اهداف همانندی را دنبال می کنند .
از مهمترین این اهداف می توان به افزایش اشتغال ، توسعه اقتصادی ، افزایش رقابت در اقتصاد و توسعه کارایی بازار ، افزایش نوآوری و توسعه انتشار فناوری ، کمک به افزایش صادرات ، دستیابی به توسعه منطقه ای ، کاهش انحصار شرکت های بزرگ و تمرکز زدایی و افزایش مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد اشاره کرد . برای دستیابی به این اهداف ، دولت ها باید شناخت کاملی از مشکلات کسب و کارهای کوچک داشته باشند .

پیشنهادات و توصیه های کاربردی :

- ایجاد تفکر استراتژیک به عنوان بستر لازم برای بهبود عملکرد سازمانی
- توسعه مدیریت خلاق ، خطرپذیر و کارآفرین به عنوان یکی از محورهای استراتژیک توسعه . ایجاد خلاقیت و کارآفرینی در بالا رفتن نوآوری سهم بسیار به سزایی دارد .
- ایجاد یک مدل برای کارآفرینی سازمانی و لحاظ کردن یک مدل مخصوص و مناسب با توجه به ویژگی خاص برای هر سازمان ارگانیک .
- توسعه فرهنگ کارآفرینی در سازمانها و نهادینه کردن خلاقیت در آنها.
- پاداش دادن به کارآفرینان در توسعه پروژه های نوآورانه .
- آموزش کارآفرینی در اثر جمع افزائی توسعه بلند مدت اجتماعی
- قوانین و مقررات مالی و مالیاتی به گونه ای تدوین شود که انگیزه لازم جهت فعالیتهای کارآفرینی بوجود آید .
- خرید تولیدات شرکت های کارآفرین و سایر محصولات داخلی باید با برنامه ریزی مناسب مورد حمایت دولت قرار گیرد ، به گونه ای که ضمن ایجاد انگیزه برای تولیدات داخلی به رقابت پذیر بودن محصولات نیز توجه شود .
- مراکز مالی حمایت کننده از کارآفرینان در سراسر کشور فرا گیر گردد . دولت و مؤسسات مسئول توسعه فناوری با مکانیزمی مناسب این مراکز را پشتیبانی و بخشی از ریسک سرمایه گذاری را قبول نمایند .
- سازمانهای توسعه ای باید با حمایت مالی و همکاری دانشگاهها نسبت به ایجاد مراکز توسعه کسب و کار کوچک (SBDC) تلاش جدی نموده تا هسته های کارآفرینی در این مراکز شکل گیرند .
- بخشهای تحقیق و توسعه (R&D) شرکتها باید حمایت شوند و به نقش کارآفرینان در تولید محصولی جدید و فرایندهای نو در تولید بها داده شود . میدان رشد برای افراد خلاق و کارآفرین باز شود ، تا هم افزایی لازم در مراکز تحقیق و توسعه بوجود آید و انگیزه کارمضاعف گردد .
- انجام تحقیقات بنیادی به عنوان پایه و اساس تولید علم و تحقیقات کاربردی به عنوان بکارگیری مبانی علمی در توسعه فناوری مورد حمایت و نتایج حاصله بطور پیوسته ارزیابی و دستاوردهای آن به زبان ساده در سطح جامعه ترویج می شود تا در ذهن جوانان شکوفه های نوآوری و خلاقیت شکل گیرد .
- نقش کارآفرین در رشد و توسعه صنعتی و اقتصادی و ایجاد اشتغال در جامعه باید به صورت یک باور همگانی درآید و این اعتقاد بوجود آید که در دنیای امروز و در اقتصاد دانش محور ، رشد و توسعه از طریق نوآوری و خلاقیت امکان پذیر است .

منابع مأخذ

1. احمد پور دارياني ، محمود . کارآفريني ، نظريات ، الگوها . تهران : شرکت پردیس ، 1379
2. شهرکي پور ، حسن وپري ناز بني سي . کارآفريني و اقتصاد . ماهنامه توسعه مدیریت . ش 62 (آذر 1383) - ص 25- 31
3. موسوي مشهدي ، محمود . نقش کارآفريني در توسعه صنعتي و اقتصادي . فصلنامه رهيافت . ش 29 (بهار 1382) ص 35 – 41
- 4 . احمد پور دارياني ، محمود عزيزي . کارآفريني . تهران : محراب قلم ، 1383 .
5. آمابلي ، ترزا . کارآفريني خلاق و انواع و شيوه هاي حمايت از آن . ترجمه حسن قاسم زاده : تهران : پژوهش و مهندسي ، 1378 .
6. حسن پور ، رضا . کارآفريني و نقش آن در توسعه اقتصادي . پايان نامه کارشناسي ارشد . اصفهان : دانشگاه اصفهان ، دانشکده مدیریت ، 1382 .
- 7 . صمد آقايي ، جليل . شناخت بستر سازي مناسب براي جذب و رشد کارآفرينان . پايان نامه کارشناسي ارشد . تهران : سازمان مدیریت صنعتي ، 1377 .
8. عندليب آذر ، مجتبي . کارآفرينان و نقش آنها در رشد و توسعه اقتصادي . ماهنامه مدیریت . شماره 46 و 47 (1379).
9. متوسلي ، محمود . فضاي اقتصادي کارآفريني و نقش مديران در توسعه اقتصادي . ماهنامه دانش مدیریت . شماره 35 و 36 (1378).
- 10 . مجدم ، منصور . طرح توسعه کارآفريني : بررسي زمينه توسعه کارآفريني در سازمان . گسترش و شرکتهای تابعه . تهران : سازمان مدیریت صنعتي ، 1380 .
- 11 . مريدي ، سیاوش . فرصتها و محدوديتهاي کارآفريني در اقتصاد ايران . ماهنامه تدبير . شماره 109 (1379) .
- 12 . بهبهاني ، پگاه . بررسي وضع موجود و شناسائي محدوديتها و موانع سازمانهاي کارآفرين در حوزه نكنولوژي اطلاعات (IT) در تهران . فصلنامه مدير ساز . ش 17 (زمستان 1384) - ص 27- 44
13. گريفين ، کيت . راهبردهاي توسعه اقتصادي . ترجمه حسين راغفر ، محمد حسين هاشمي ، . تهران : نشري ، 1382

- 14 . سلیمي فر ، مصطفى . اقتصادتوسعه . تهران : انتشارات موحد ، 1382 .
 - 15 . متوسلي ، محمود . توسعه اقتصادي توسعه . تهران : سازمان مطالعه وتدوين کتب علوم انساني دانشگاهها (سمت) ، 1382
 - 16 . تودارو ، مايکل . توسعه اقتصاد درجهان سوم . ترجمه غلامرضا فرجادي . تهران : مؤسسه عالي پژوهش دربرنامه ريزي وتوسعه ، 1382 .
 - 17 . طالبي ، کامبيز: اهميت ونقش محيط در رشد وتقويت کارآفرينان . تهران : انتشارات وزرات صنايع ، 1372
 - 18 . جيمز آرکوک . پيش به سوي کارآفريني . ترجمه ميترا تيموري . - اصفهان : نشرآموزه ، 1382 .
 - 19 . علي احمد ، عليرضا وپيمان اخوان . کارآفرين موفق .- تهران : توليد دانش ، 1383
 - 20 . هزار جريبي ، جعفر . توسعه کارآفريني و دانش آموختگان فصلنامه پژوهشي و برنامه ريزي درآموزش عالي . ش 30 (1382) .
 - 21 . محمد آقايي ، جليل . سازمانهاي کارآفرين . تهران : مرکز آموزش مديريت دولتي ، 1378 .
 - 22 . حسين مرادي ، نرگس . کارآفريني چالش جديد مديريت آموزشي . فصلنامه مديريت درآموزش و پرورش - شماره 33-34 (1382) .
1. Carters., D.J.E Vans . Entrepreneurship And small business. Principles and policy .creat Britain , 2000 .
 2. kandel , j. Entrepreneurship and organiZ a tion .New York :kill Bamt , 2003